

فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۴، شماره ۱ (پیاپی ۴۶)، بهار ۱۳۹۸
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵X-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۱۶۱-۱۴۷

اثرگذاری مشارکت در توانمندسازی سکونتگاه‌های مسالهدار شهری (مطالعه موردی: محله بانبرز ایلام)

ابوالفضل مشکینی - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
زهرا تردست* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۲

چکیده

روند فزاینده‌ی شهرنشینی مسائل و مشکلاتی را در ابعاد مختلف در پی داشته که یکی از این مسائل سکونتگاه‌های مسالهدار شهری هستند که به شکلی خودرو و بدون برنامه شکل می‌گیرند. حل این مسئله نه با برخورد مقطعی، گزینشی و پراکنده کاری یا رهاسازی بلکه باید از طریق یک راهکار بنیادینی و بصورت ریشه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. جدای از روش‌های برخورد با این سکونتگاه‌ها، لحاظ کردن دیدگاه و نگرش ساکنین محلی از مهم‌ترین مولفه‌های تاثیرگذار در فرآیند ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های مسالهدار به‌شمار می‌رود. این پژوهش امکان‌سنجی نقش مشارکت اجتماعی در توانمندسازی سکونتگاه مسالهدار بانبرز و همچنین بسترسازی برای ارتقای شرایط محله به‌نحوی پایدار از طریق مشارکت ساکنین را هدف خود قرار داده است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش ساکنین محله بانبرز می‌باشند، حجم نمونه با فرمول کوکران با ۵ درصد خطا، ۳۷۶ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مشارکت اجتماعی به میزان ۰/۵۶۶ بر توانمندسازی سکونتگاه مورد بررسی موثر می‌باشد. همچنین ۹۱/۸ درصد از ساکنان محله تمایل به مشارکت فراگیر جهت ساماندهی و توانمندسازی محله از طریق مشارکت‌های تصمیم‌گیری و مدیریت، تامین مالی هزینه‌ها (انجام طرح‌ها)، تامین نیروی انسانی برای توسعه محله دارند.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، سکونتگاه‌های غیر رسمی، مشارکت اجتماعی، محله بانبرز

نحوه استناد به مقاله:

مشکینی، ابوالفضل، تردست، زهرا. (۱۳۹۸). اثرگذاری مشارکت در توانمندسازی سکونتگاه‌های مسالهدار شهری (مطالعه موردی: محله بانبرز ایلام) مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۴(۱)، ۱۴۷-۱۶۱. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_665127.html

مقدمه

جهان در چند دهه اخیر و بویژه بعد از انقلاب صنعتی رشد شتابان شهری شدن را طی کرده است. این روند شهرنشینی سه‌م برابری میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را شامل نشده، بیش از ۹۰ درصد رشد شهری در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد و در هر سال در حدود ۷۰ میلیون نفر از ساکنان جدید، به مناطق شهری کشورهای در حال توسعه اضافه می‌شود (Habitat, 2013). این روند شهرنشینی علی‌رغم دستاوردهای بزرگ با خود مشکلات و معضلات زیادی را نیز به همراه داشته و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی به مثابه یکی از مسائل عمده از این شرایط همواره گریبان‌گیر شهرها بوده است. سابقه شکل‌گیری این پدیده در ایران که معلول آن را مسائلی چون اصلاحات ارضی و بالا رفتن قیمت نفت می‌دانند در حدود سال ۱۳۳۰ شروع و تا امروز ادامه داشته است. شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها پیامدهای ناخوشایندی چون: شرایط فیزیکی و سیمای نامطلوب، پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامت، فقدان شغل رسمی، مسکن غیرقابل اطمینان در مقابل حوادث، توسعه آثار منفی زیست محیطی، آشوب‌های اجتماعی و درگیری، انزوای اجتماعی، انحرافات و کجروی‌های اجتماعی، بی‌هویتی، ناهنجاری‌های روانی و ... به همراه داشته که باعث پیچیدگی و ناپایداری هرچه بیشتر شهرها شده و نیاز مبرم به چاره‌اندیشی برای حل این مسئله از سوی مدیران شهری و ساکنین محلات را می‌رساند. تاکنون روش‌های مختلف به‌سازی و در قالب مهندسی کالبدی جهت ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ارائه گردیده اما بعلافت ضعف و عدم موفقیت آن‌ها در حل مسأله اکنون دیدگاه مهندسی اجتماعی مورد توجه واقع شده است. از این روش به راهبرد توانمندسازی و توسعه اجتماعی محور (تام) یاد می‌کنند (Sarrafi, 2014: 17)، مرکز توجه آن ساکنان شهر و مردم بوده و همچنین در این روش شهروندی بیش از شهرسازی مهم است.

شهر ایلام به عنوان شهر اول استان ایلام هم از نظر جمعیتی و هم از نظر عملکردی از زمان وقوع جنگ تحمیلی و بدلیل عوامل اقتصادی و نیز وجود مرکزیت سیاسی-اداری استان و اختصاص درصد بالایی اعتبارات و درآمدها و تسهیلات و خدمات بهینه انسانی به این شهر (Maleki poor, 2010: 14) همواره مورد توجه مهاجران داخل استانی بوده است. برآیند این مهاجرت باعث برهم خوردن تعادل نظام سلسله مراتبی سکونتگاهی استان و بروز مشکلاتی نظیر افزایش قیمت زمین، بالا رفتن اجاره بهای مسکن، افزایش هزینه حمل و نقل و معضلات زیست محیطی در شهر ایلام شده است. اکنون در شهر ایلام پنج محدوده به عنوان سکونتگاه غیررسمی شناخته شده و مطالعات نشان داده ۸۰ درصد این محدوده‌ها را مهاجران روستایی تشکیل می‌دهند. یکی از این محلات به عنوان بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین سکونتگاه مسالهدار شهری مطرح و مطالعه موردی این پژوهش محله بانبرز می‌باشد. این پژوهش سعی دارد میزان تاثیر مشارکت اجتماعی بر توانمندسازی ساکنین سکونتگاه بانبرز و همچنین میزان و نحوه مشارکت ساکنین محله را امکان‌سنجی کند، علت توجه به این محله این است که توجه به مقیاس و ظرفیت‌های بالقوه موجود در محله برای کاهش مسائل از طریق نهادها و فرایندهای محلی (مشارکت اجتماعی) کمتر از میزان واقعی می‌باشد و فرصت‌های قابل استفاده و پتانسیل‌های بالقوه‌ای که در این محله هست مورد غفلت قرار گرفته که می‌توان با تکیه بر این پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود و با بهره‌گیری از آن‌ها مشکلات این محله را برطرف نمود. بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده ضرورت پژوهش در محله بانبرز احساس و سوال اساسی تحقیق این است: که مشارکت اجتماعی ساکنین به چه میزان بر توانمندسازی محله تاثیر داشته و تا چه حد ساکنین این محله حاضر به مشارکت در جهت توسعه محله می‌باشند؟

با وجود پر دامنه بودن بحث سکونتگاه‌های مسالهدار شهری هنوز اتفاق نظری در رابطه با تعریف یا کاربرد یک واژه مشخص صورت نگرفته و تاکنون از تعابیر گوناگونی چون اسکان‌های غیرقانونی، سکونتگاه‌های افراد کم درآمد، سکونتگاه‌های نیمه دائم و موقتی، سکونتگاه‌های آلونکی، سکونتگاه‌های خودرو و غیر مجاز، برنامه‌ریزی نشده، کنترل نشده و حاشیه نشین سکونتگاه‌های ناهنجار یا نابسامان یاد شده است (Hadizadeh Bazzaz, 2003: 19). که بعدها به عنوان بافت‌های آپاندیسی (11: 2010 Naghdi) و سیاه‌چاله‌های شهری و جهان چهارم هم یاد کرده‌اند. و اکنون واژه سکونتگاه‌های غیررسمی و مسالهدار بکار برده می‌شود. به عقیده صاحب نظران تعویض واژه اسکان غیررسمی نیز ضروری است زیرا خود لغت اسکان غیررسمی عقب مانده است که بخشی از شهر را غیررسمی تلقی می‌کند (Sarrafi, 2014: 15). بکارگیری این واژه حقوق شهروندی را از این شهروندان می‌گیرد. هم اکنون در جدیدترین واژه‌ها از سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان شهرهای در سایه یاد می‌کنند.

براساس آخرین اجلاس سازمان ملل متحد، سکونتگاه‌های غیررسمی مناطق مسکونی هستند که در آن (۱) ساکنان هیچ امنیت مالکیتی در برابر زمین و یا خانه که در آن ساکن هستند، ندارند (۲) معمولاً فاقد، و یا با کمبود، خدمات و زیرساخت‌های اساسی

شهری مواجه‌اند و ۳) مسکن با برنامه‌ریزی و ساخت و ساز مقررات جاری منطبق نیست، و اغلب از لحاظ جغرافیایی در مناطقی با محیط زیست خطرناک واقع شده‌اند (Habitat, 2015). علاوه بر این سکونتگاه‌های غیر رسمی فاقد عرضه رسمی زیرساخت‌ها و خدمات اساسی، فضای عمومی و فضای سبز، و به‌طور مداوم در برابر، بیماری و خشونت قرار دارند (World Bank, 2008). از این‌رو مسائل این سکونتگاه‌ها چند بعدی و پیچیده بوده و نیاز به برخوردی همه جانبه دارد.

نگاهی گذرا به تجارب جهانی در رویارویی با سکونتگاه‌های غیررسمی و پاسخ‌گویی به نیاز سرپناه تهیدستان نشان می‌دهد تا پیش از دهه ۱۹۶۰، سرمایه‌گذاری دولتی در بخش مسکن غالباً ضروری تشخیص داده نمی‌شد (Sarrafi, 2002: 8). در این دهه با اتکا به دیدگاه لیبرال رویکرد نادیده انگاری معتقد به گذرا بودن و میرنده بودن اسکان غیررسمی در گذر توسعه جوامع است که رها کردن سکونتگاه‌های غیررسمی در دست نامرئی بازار را توصیه می‌کرد (Piran, 1987: 33). از این دهه به بعد استمرار و تشدید وضعیت مسکن موجب توجه ویژه به آن شد.

بررسی سیاست‌های کنترل و مقابله با سکونتگاه‌های غیر رسمی از دهه ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ نشان می‌دهد تغییر پارادایم به سیاست رادیکال به طور گسترده توسط سازمان‌های بین‌المللی پذیرفته شد (Acioly, 2002). در طول دهه ۱۹۷۰ سیاست اخراج یا بولدزری غالب بود. واکنش رسمی دولت در این دوره متمایل به ریشه کن کردن سکونتگاه‌های غیررسمی و ساخت مسکن در جای دیگر، و خانه‌های عمومی بوده است (Hassan, 2011). در این سیاست، خرید زمین، بانکداری زمین و پروژه‌های مسکن عمومی مورد تاکید است (UNDP & MLHUD, 2008). در دهه ۱۹۸۰، تغییر تدریجی جهت ترویج روش‌های بهسازی برای به حداقل رساندن اثرات منفی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی حاصل از سیاست‌های اخراج، برای حفظ روابط اجتماعی و انسجام جامعه موجود شروع شد. این رویکرد بر انضمام سیاست‌های مالی با برنامه‌های تمرکز بر قانونی کردن مالکیت، بهبود زیرساخت‌ها، تسهیل اعتبار برای تشویق مسکن خودباری و تعمیرات مسکن و توسعه اجتماعی و اقتصادی تاکید دارد (Uzun & Cete, 2010). در این دهه طرح زمین - خدمات به عنوان یک ایدئولوژی جدید مطرح شد که در آن تصرف کامل زمین به ساکنین آینده اعطاء می‌شد (Acioly, 2002). نتایج ارزیابی این رویکرد نشان داد که قانونی کردن زمین یک فرایند مصرفی گران قیمت و زمان بر است که از موانع دستاوردهای پروژه بوده است و ساکنین در پرداخت سهم خود با مشکل مواجه شدند و باز پرداخت هزینه‌ها صورت نگرفت. پروژه مکان - خدمات در سطح محلات بزرگ و با مقیاس بالا موفق به تکرار نشد و اثرات آن بر سیاست اصلاحات نهادی حداقل بود (Payne, 1984). در طول دهه ۱۹۹۰، با ظهور مفاهیم جدیدی از تمرکز زدایی و خصوصی سازی، نقش دولت‌های محلی در مدیریت و هدایت فرآیندهای توسعه شهری قابل گسترش بوده است. فراهم کردن بهبود زیر ساخت‌ها، خدمات اجتماعی و بازسازی فیزیکی سکونتگاه‌ها به دنبال قانونی کردن دوره تصدی و تنظیم حقوق مالکیت مورد تاکید بوده است (Durand-Lasseve & Clerc, 1996). در رویکردهای بهسازی علی رغم تمام محاسن، به دلیل تک بعدی نگرستن و خلاصه کردن مشکل این سکونتگاه‌ها به مسائل کالبدی، جای تردید برای خود گذاشته است. نکته منفی دیگر این که معمولاً در این دیدگاه‌ها، ظرفیت و خواسته‌های ساکنان مورد غفلت واقع می‌شود (Dadashpoor et al., 2011: 100).

بنابراین در طول دهه ۲۰۰۰، مفهوم یکپارچگی جایگزین مفهوم بهسازی شد. یکپارچگی شامل سه جنبه اساسی است. در مرحله اول، یکپارچگی فیزیکی با هدایت سرمایه گذاری‌های عمومی به سمت این مناطق، احداث جاده‌ها به منظور بهبود دسترسی، امکان اتصال به شبکه زیرساخت و خدمات عمومی و لینک دادن به نقشه‌های رسمی شهر است. در مرحله دوم، یکپارچگی اجتماعی با اتخاذ برنامه‌های خاص برای مقابله با نیازهای جامعه و ترویج و توسعه اجتماعی است. ثالثاً، یکپارچگی حقوقی از طریق تنظیم، سند مالکیت زمین و حل و فصل مسائل تصرف زمین به عنوان مکمل کاداستر سراسر شهر و نیاز به فعال کردن مجموعه مالیات بر املاک می‌باشد (Marwa, 2015).

تلاش برای رفع نواقص رویکردهای گذشته موجب تولد رویکردی جدید به نام رویکرد توانمندسازی شد که براساس آن، دولت‌ها زمینه و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را شکل داده و این اجتماعات فقیر هستند که خود، راه ارتقای خود را می‌یابند (Pugh, 2003). این راهبرد، سیاست‌های ظرفیت سازی برای توسعه را با استفاده از یک مهندسی اجتماعی در قالب مدیریت محلی توصیه می‌کند. حکومت داری خوب شهری، یادگیری اجتماعی، مشارکت فراگیر و فعال و ظرفیت‌سازی نهادینه شده، بهترین وسایل برای راه‌اندازی این فرایند دانسته شده است (Sarrafi, 2003: 55).

در ایران نیمه اول دهه ۱۳۸۰ زمان ورود طرح‌های موسوم به توانمندسازی به عرصه برنامه‌ریزی شهری است این طرح‌ها در شهرهای دارای مشکل اسکان غیر رسمی توسط وزارت مسکن و شهرسازی و ستاد ملی و استانی توانمندسازی و بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تهیه و با الگوی مشارکتی اجرا می‌شوند (Irandoost, 2009: 159). به دنبال ورود این طرح تحقیقات متعدد بسیاری در رابطه با توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی صورت گرفت. از جمله می‌توان به کار پژوهشی شریفی‌نیا و همکارانش (۱۳۹۰)، اشاره کرد که در مقاله خود به توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تاکید بر عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی محله غلام تپه بزی شهرستان آزاد شهر پرداخته‌اند نتایج تحقیق بیان‌گر این است که شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در اولویت اول و دوم، شاخص‌های بهداشتی-زیست محیطی و کالبدی - فیزیکی در اولویت سوم و چهارم و شاخص‌های خدماتی و مدیریتی در اولویت پنجم و ششم ساماندهی و توانمندسازی محله قرار دارند. داداش پور و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود به دنبال پاسخگویی به این پرسش بوده که آیا بین سطح توانمندی نهادی، اجتماعی و اقتصادی با تمایل ساکنان محله شرق کال عیدگاه جهت مشارکت در بهسازی کالبدی - فضایی محله رابطه‌ای وجود دارد؟ که نتایج یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن است که بین سطح توانمندی ساکنان و میزان تمایل آن‌ها برای مشارکت در بهسازی کالبدی- محیطی رابطه معناداری وجود دارد و در درجه اول توانمندسازی نهادی، سپس توانمندسازی اجتماعی و در درجه بعدی توانمندسازی اقتصادی می‌تواند در افزایش مشارکت ساکنان در برنامه‌های بهسازی کالبدی- محیطی موثر باشد. رستم زاده (۱۳۹۱) در مقاله پژوهشی خود به بررسی نگرش ساکنین محلی در توانمندسازی سکونتگاه غیررسمی محله توحید در شهر بندرعباس پرداخته است نتایج پژوهش نشان داده است که نداشتن سند مالکیت به همراه فاضلاب معابر از مشکلات مهم محله می‌باشد. همچنین نبود دسترسی امکان احداث سیستم فاضلاب و مشکل جمع‌آوری زباله، عدم فرهنگ شهرنشینی، فقر و فساد در سطح محلی، عدم همبستگی اجتماعی و برخورداری از حداقل مولفه‌های کیفیت زندگی از دیگر مشکلات محله از دید ساکنین می‌باشد که مانع از ساماندهی و توانمندسازی محله شده است. زالی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به ارزیابی طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه غیررسمی محله مهدی آباد در شیراز پرداخته‌اند که نتایج پژوهش حاکی از آن است که طرح توانمندسازی در محله در مسیر دستیابی به اهداف خود تا حال حاضر موفق نبوده و مهم‌ترین علل آن وجود نگرش آمرانه در مراحل تهیه، تصویب و اجرای طرح است. بنابر پیشینه مطالعاتی پژوهش، هر کدام از مطالعات جنبه‌های خاصی از توانمندسازی در سکونتگاه‌های مسئله‌دار را بررسی کرده‌اند در این پژوهش نیز ضمن مطالعه بررسی‌های صورت گرفته به بررسی تاثیر مشارکت اجتماعی بر توانمندسازی اقدام نموده است. بنابراین به نظر می‌رسد در رابطه با این موضوع تاکنون پژوهشی صورت نگرفته، و موضوعی نو می‌باشد. مشارکت محاسن متعددی دارد که از جمله آن‌ها به مواردی چون آموزش، کاهش هزینه‌ها، توانمندسازی، و مدیریت محیطی اشاره نمود (Renee & Jhon, 2004:56).

روش پژوهش

این تحقیق از نظر نوع کاربردی و از نظر شیوه انجام، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و میدانی بوده در روش اسنادی از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و در روش میدانی بنا به ماهیت مساله و با توجه به این‌که روش مشارکت مردم و توانمندی‌هایشان اهمیت زیادی دارد از پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش ساکنان محله بانبرز به تعداد ۱۹۷۷۹ نفر می‌باشد که حجم نمونه براساس فرمول کوکران با ۵ درصد خطا، برابر با ۳۷۶ نفر بوده و شیوه نمونه‌گیری بصورت تصادفی ساده می‌باشد پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ انجام گرفت که مقدار آن ۰/۹۱۱ بیانگر پایایی مطلوب پرسش‌نامه می‌باشد. اطلاعات استخراج شده از پرسش‌نامه با استفاده از روش‌های آماری نظیر ضریب همبستگی و رگرسیون خطی ساده در نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفته است.

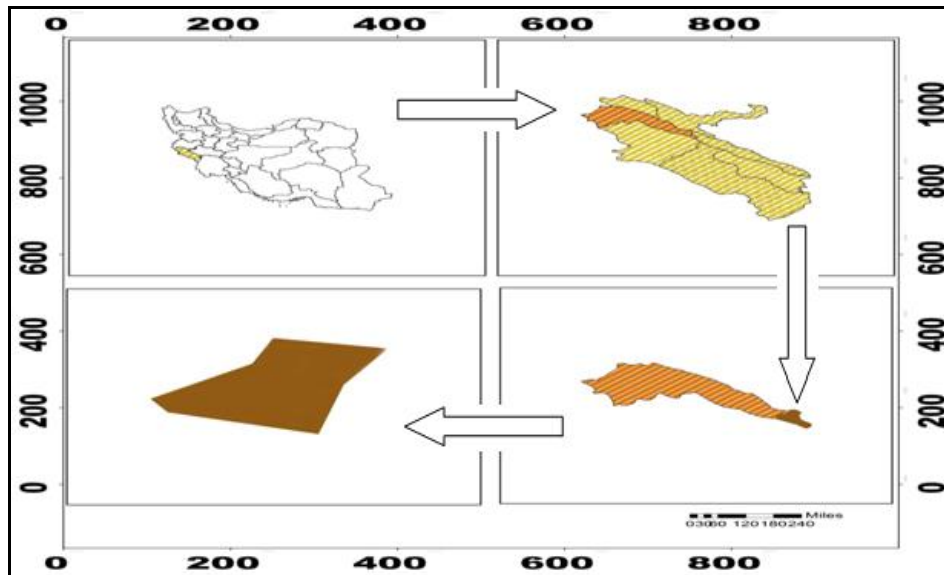
قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر ایلام با مساحت ۱۷۷۶/۱ هکتار شامل ۶۲/۱۰ درصد مساحت استان و در شمال غربی استان ایلام واقع شده و طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت کل استان ایلام ۵۶۰ هزار نفر بوده که سهم شهر ایلام از این جمعیت ۲۱۴ هزار نفر است. بدلیل استقرار خدمات بیشتر بهداشتی رفاهی و دانشگاهی نسبت به شهرهای دیگر استان و همچنین مرکزیت سیاسی-اداری و تفکر دست

یابی به شغل بهتر، شهر ایلام همواره مورد توجه مهاجران بوده و بدلیل روند فزاینده تحولات و مهاجرت‌ها و قرار گیری اقشار کم درآمد و بیکار در حاشیه شهر، پنج محله از جمله بان بور، سبزی آباد، بانبرز، بان چرمگ، و تپه پایه یک (Naghdi, 2014: 110) بصورت غیر رسمی و خودرو در حاشیه شهر ایلام شکل گرفته است.

مطالعه موردی این پژوهش محله بانبرز می‌باشد که به‌عنوان بزرگترین و قدیمی‌ترین سکونتگاه فقیرنشین در شهر ایلام در جنوب شرقی شهر ایلام قرار دارد که از شرق به کمربندی ایلام و دامنه‌های کوه‌های اطراف و از جنوب به محدوده قانونی شهرو از شمال به خیابان ولیعصر از غرب به خط عبور کانال فاضلاب و بلوار امام منتهی می‌شود (Asadollahi & Nateghpoor, 2006:17). این محله با مساحتی حدود ۱۲۴/۷ هکتار جمعیتی بیش از ۱۹۷۹۹ نفر و تعداد خانوار ۴۱۳۴ و بعد خانوار ۴/۸ را در خود جای داده است. نرخ رشد جمعیت آن ۰/۳ بیشتر از نرخ رشد طبیعی شهر ایلام است (Master plan of Ilam City, 2015).

در تقسیم‌بندی کالبدی شهر ایلام ناحیه ۲ از منطقه ۲ به این محله اختصاص دارد و از جمله مناطق بسیار پر تراکم شهر ایلام به شمار می‌رود. این تراکم منجر به ایجاد مشکلات و مسائل بسیاری در زمینه تأمین خدمات زیربنایی و مسائل زیست محیطی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و... شده است. از ویژگی‌های این محله وجود شبکه نامناسب فاضلاب و سطحی بودن آن، بافت ریزدانه و نامنظم، آلودگی شدید محیط، وضعیت نامطلوب زیرساخت‌ها و شبکه معابر، آسفالت نبودن کوچه‌ها و شیب تند آن‌ها می‌باشد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه در کشور و استان

یافته‌ها و بحث

تحلیل جمعیتی و اجتماعی

از مجموع نمونه آماری ۵۹ درصد مرد و ۴۱ درصد زن و از این تعداد ۵۷/۴ درصد متأهل و ۴۲/۶ درصد مجرد و ۴۲ درصد در گروه سنی ۳۰ - ۴۵ سال و ۳۹ درصد در گروه سنی ۱۵-۳۰ سال و ۱۶ درصد در گروه سنی ۴۵-۶۰ سال قرار داشته‌اند همچنین از این مجموع ۲۷/۹ درصد دارای مدرک کارشناسی و بالاتر و ۴۴/۹ درصد با مدرک دیپلم و ۲۲/۳ درصد دارای مدرک زیر دیپلم و تنها ۴/۸ درصد بی سواد بوده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش ۲۰/۹ درصد پاسخگویان بیکار، ۱۶/۳ درصد آزاد، ۳ درصد بازنشسته، ۲۷/۶ درصد خانه دار، ۹/۵ درصد در حال تحصیل، ۱۴/۱ درصد کارگر ساده، و ۵/۸ درصد کارمند دولتی می‌باشد. منظور از شغل آزاد عمدتاً شامل مشاغل غیر رسمی بوده که برخلاف سایر بخش‌ها به سرمایه اندکی نیاز و ورود به این بخش به آسانی صورت می‌گرفته به همین دلیل نیز درصد قابل توجهی از شاغلان این محله را بخود اختصاص داده است. همچنین جدول (۱) دلایل عمده مهاجرت به محله بانبرز را نشان می‌دهد.

جدول ۱. دلایل عمده مهاجرت به محله بانبرز

ردیف	علت مهاجرت	درصد فراوانی
۱	ارزان بودن زمین و مسکن	۴۰/۲
۲	نزدیکی به خویشاوندان و اشنایان	۳۰/۹
۳	دسترسی به خدمات و مرکز استان	۵/۳
۴	نزدیکی به محل کار	۳/۸
۵	نداشتن چاره‌ای بهتر	۱۴/۶

با توجه به اینکه سابقه سکونت در شکل‌گیری و پایه‌ریزی بحث مشارکت اجتماعی و بکارگیری راهبرد توانمندسازی از اصول اساسی می‌باشد و هرچقدر میزان اقامت بلندمدت باشد روابط همسایگی مستحکم‌تر شده و در روحیه مشارکت تأثیر می‌گذارد. بر همین اساس این سوال مورد پرسش قرار گرفته که آمار بدست آمده نشان می‌دهد ۲۴/۵ درصد کمتر از ۵ سال ۳۰/۳ درصد بین ۵-۱۰ سال، ۲۷/۷ درصد بین ۱۰-۲۰ سال، ۱۲ درصد بین ۲۰-۳۰ سال، ۵/۶ درصد بیش از ۳۰ سال را انتخاب کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد تحرک و پویایی در این محله بسیار زیاد و مهاجرت‌ها همچنان ادامه دارد.

رویکرد مشارکت اجتماعی در توانمندسازی بر این عقیده استوار است که اجتماعات، بیشتر موضوع برنامه‌ریزی باشند تا اینکه به عنوان هدف برنامه‌ریزی‌ها مطرح شوند و اینکه مرکز قدرت سازمانی و تصمیم‌سازی باید با سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات محلی و محلات باشد و با اقدامات دولت ملی و محلی توانمند شوند (Khodaei & Poorkheiri, 2012: 56). انواع مشارکت برحسب نوع شامل مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت، مشارکت در تأمین مالی هزینه انجام طرح‌ها، مشارکت در تأمین نیروی انسانی می‌باشد (Alavi Tabar, 2000: 26). از مزایا و دستاوردهای مشارکت اجتماعی در توانمندسازی محله‌ای درگیر شدن در برنامه‌ریزی، اعتماد به نفس مردم محلی، قابلیت، مهارت و توان کارگروهی آنان را افزایش می‌دهد. این امر به آن‌ها کمک می‌کند بر سایر مشکلات چه به صورت فردی و چه گروهی، بهتر غلبه کنند (Masoomi Ashkouri, 2001: 67). بطور کلی متغیرهای زیادی بر مشارکت تأثیرگذارند، کلی و دنیس، از متغیرهایی چون نوع مالکیت، احساس قدرت یا بی‌قدرتی، رضایت از مدیریت شهری، و پایگاه اجتماعی-اقتصادی نام برده‌اند (Esmailzadeh et al., 2013: 159) از دیگر عوامل مشارکت اعتماد سازی است که مقدمه واجب توسعه مشارکت است (Aini, 2007: 25). از دیگر متغیرهای اثرگذار بر مشارکت اجتماعی آگاهی و علاقه مردم و حاکمیت فرهنگ همیاری در جامعه است (Saidi Rezvani & Habibi, 2005: 115). بطور کلی رضایت از وضع زندگی خود، اعتماد اجتماعی، حس مسئولیت‌پذیری، متغیرهای اقتصادی، عضویت انجمنی، پایگاه اجتماعی، احساس تعلق، تحصیلات، اعتماد به نفس، وضعیت شغلی، میزان تمایل به مشارکت، میزان مهارت شهروندان، نگرش مردم، می‌توان از عوامل موثر بر مشارکت ذکر کرد. در نهایت هدف غایی مشارکت، توانمندسازی اجتماعات است (Sanoff, 2000). در نتیجه مشارکت اجتماعی افراد وقتی توانمند می‌شوند که در مولفه‌های زیر به سطح مناسبی برسند: معنادار بودن، (به معنی ارتباط اهداف و وظایف کاری با ایده‌ها و استانداردهای فردی می‌باشد) (Hassanzadeh, 2004: 48). احساس شایستگی، (به اعتقاد فرد به توانایی‌هایش برا انجام با مهارت فعالیت‌هایش اطلاق می‌شود) (Heidari Sareban, 2009: 39). حق تعیین سرنوشت، (که احساس استقلال افراد یا جوامع محلی را برای شروع و تداوم فرآیندهای کاری و تصمیم‌سازی نشان می‌دهد). احساس تأثیر (که افراد و جوامع محلی احساس لازم در خصوص تأثیرگذاری خود بر محیط، جریانات را در فرآیند زمانی به دست می‌آورند) (Rafieian, 2003: 11). اعتماد، (به روابط بین دوستان و فرادستان اشاره دارد) (Abdullahi & Heidari Sareban, 2009: 117). بدین ترتیب با توجه به ادبیات جهانی، گویه‌های برای متغیرهای پژوهش حاضر ارائه شده است. در پژوهش حاضر متغیر مستقل "مشارکت اجتماعی" بوده که توسط ۱۵ گویه مورد سنجش قرار گرفت (جدول ۲) و متغیر وابسته "توانمندسازی" با ۱۸ گویه متعدد و مرتبط کمی گردیده است (جدول ۳).

جدول ۲. مولفه‌های متغیر مستقل پژوهش

میانگین مولفه‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مولفه‌های مورد سنجش	مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت	مشارکت اجتماعی
۱۲/۴	۸/۸	۲۵/۳	۰/۳۸	۲۰/۵	۴/۷	عضویت در انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، مذهبی و... محله		
۲۰	۴/۸	۱۳/۳	۳۰/۹	۳۱/۴	۱۹/۷	همکاری با مدیران و مسئولان محله در امر تصمیم‌گیری		
۱۴/۴	۰/۱۲	۰/۱۶	۲۸/۲	۲۸/۵	۱۵/۴	آگاهی از محدودیت‌ها و امکانات شهرداری در اجرای طرح‌ها		
۱۸/۵	۰/۸	۲۱/۵	۳۸/۸	۲۲/۹	۸/۸	مشارکت در تهیه راهکارهای اساسی جهت حل مشکلات محله		
۱۷/۴	۱۲/۸	۱۷/۸	۲۹/۸	۲۶/۶	۰/۱۳	آگاهی از مشکلات و معضلات محله و درمیان گذاشتن آن‌ها با مدیران شهری	مشارکت در تأمین مالی	
۲۰/۲	۶/۴	۹/۶	۲۶/۳	۴۰/۲	۱۷/۶	رضایت از عملکرد مدیران شهری و پرداخت به موقع عوارضات و مالیات		
۱۵/۴	۰/۱۲	۰/۱۶	۲۸/۲	۲۸/۵	۱۵/۴	آگاهی از محدودیت‌ها و کمبودهای محله و مشارکت در رفع آن‌ها		
۲۰	۱۷/۸	۳۰/۹	۳۵/۴	۸/۵	۷/۴	همکاری با همسایگان در جهت رفع موانع مالی محله		
۱۹/۲	۲/۴	۰/۴	۳۰/۱	۴۰/۴	۲۳/۱	آشنایی با ساکنین محله و تشکیل صندوق قرض الحسنه برای رفع مشکلات محله	مشارکت در تأمین نیروی انسانی	
۱۷/۴	۰/۱۳	۲۶/۹	۳۷/۲	۱۷/۳	۵/۶	تمایل به مشارکت‌های مالی-فرهنگی برای توسعه و پیشرفت محله		
۱۸/۳	۴/۸	۲۶/۳	۳۵/۱	۲۴/۷	۰/۹	مشارکت در کارهای گروهی مربوط به محله		
۱۸/۵	۳/۲	۰/۸	۲۵/۳	۴۱/۲	۲۲/۳	رضایت از وضعیت زندگی در محله		
۱۹/۹	۰/۸	۳/۷	۲۶/۶	۴۴/۱	۲۴/۷	اعتماد به مدیران و مسولان محله و همکاری با آن‌ها	مشارکت در تأمین	
۱۶/۸	۷/۲	۲۳/۴	۴۰/۷	۰/۱۶	۱۲/۸	اعتماد به ساکنین و مشارکت با آن‌ها در یک تشکل محله‌ای		
۲۰	۱۱/۷	۲۱/۳	۳۱/۴	۲۱/۵	۱۴/۱	مسئولیت‌پذیری و انجام وظایف محوله در امر توسعه محله		

جدول ۳. مولفه‌های متغیر وابسته تحقیق

میانگین مولفه‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مولفه‌های مورد سنجش	اقتصادی	اجتماعی	توانمند سازی
۱۶/۸	۱۴/۹	۱۸/۶	۳۸/۸	۰/۱۶	۱۱/۷	احساس توانایی فائق آمدن بر مشکلات و مسائل اقتصادی و مالی محله			
۱۷/۹	۶/۹	۱۹/۱	۳۳/۸	۲۵/۵	۱۴/۶	دسترسی به شغل مناسب، درآمد و ...			
۲۰	۸/۵	۲۲/۳	۳۸/۳	۲۲/۱	۸/۸	احساس توانایی به فعالیت در مشارکت‌های مالی و اجرایی			
۲۰	۴/۳	۱۰/۴	۲۴/۷	۳۹/۱	۲۱/۵	افزایش حجم درآمد ماهانه و سالانه خانوار			
۲۰/۲	۲/۴	۴/۳	۳۰/۱	۴۰/۲	۲۳/۱	حس اعتماد به نهادهای دولتی و ساکنین	اجتماعی		
۱۶/۹	۱۴/۶	۱۸/۹	۳۸/۸	۰/۱۶	۱۱/۷	داشتن حس تأثیرگذاری بر توسعه محله			
۱۲/۴	۹/۳	۲۳/۱	۰/۳۸	۲۱/۳	۸/۲	مشارکت ساکنین در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های برنامه‌های مربوط به محله			
۱۸	۶/۴	۱۹/۱	۳۳/۵	۲۶/۱	۱۴/۹	برخورداری از دوره‌های آموزشی مشارکت			
۱۶/۸	۱۴/۴	۱۸/۶	۳۹/۴	۰/۱۶	۱۱/۷	فراهم شدن فرهنگ مشارکت در بین ساکنین	کابندی		
۱۵/۸	۲/۷	۷/۷	۲۹/۸	۳۸/۸	۰/۲۱	تامین زیرساخت‌های مناسب و پراکنش کاربری‌های خدماتی			
۱۹/۹	۸/۵	۲۲/۱	۳۸/۸	۲۲/۳	۸/۲	کیفیت و کمیت مناسب ساختمان‌ها			
۱۶/۶	۱۲/۲	۰/۱۷	۲۸/۲	۲۷/۹	۱۴/۶	نظارت بر اجرای طرح‌های توسعه و بهبود کیفیت محله			
۱۴/۲	۵/۶	۱۳/۶	۰/۲۹	۳۱/۶	۲۰/۲	گرفتن حق مالکیت مسکن با کیفیت	محیطی		
۱۹/۹	۸/۵	۲۲/۶	۳۸/۸	۲۱/۸	۸/۲	دسترسی به آب لوله‌کشی، برق، شبکه فاضلاب مناسب، مراکز آموزشی و بهداشتی و...			
۲۰	۱۱/۲	۲۱/۵	۳۱/۶	۲۱/۳	۱۴/۴	حس دلبستگی و تعلق به محیط و محله			
۱۶/۹	۰/۹	۲۲/۱	۳۸/۳	۲۲/۶	۰/۸	اثرکت در برنامه‌های آموزش مشارکتی از سوی مدیران جهت حفظ و ارتقا محیط			
۲۰	۱۴/۱	۱۸/۶	۳۹/۴	۱۶/۲	۱۱/۷	حق تعیین سرنوشت برای خود در محله	محیطی		
۲۰/۲	۱۷/۶	۲۹/۳	۳۵/۴	۸/۵	۹/۳	شکل‌گیری محیطی سالم و سرزنده در محله			

به منظور بررسی اثر "مشارکت اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاه غیر رسمی بانبرز" با توجه به مقیاس فاصله ای دو متغیر از رگرسیون خطی ساده استفاده شده است. با توجه به ضرورت خطی بودن رابطه بین دو متغیر در ابتدا از همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضریب همبستگی بین دو متغیر $0/753$ بوده و رابطه خطی معنی دار و مستقیم و با شدت قوی وجود دارد. بنابراین به منظور بررسی اثر مشارکت بر توانمندسازی از رگرسیون خطی ساده استفاده شده است. در رگرسیون، متغیر مستقل مشارکت و متغیر وابسته توانمندسازی (که حاصل $compute$ کردن گویه‌های دو متغیر است) می‌باشد. همان گونه که در جدول (۴) مشخص است مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/566$ است که حاکی از توانایی متغیر مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته می‌باشد. یعنی متغیر مستقل ۵۶ درصد از تغییرات وابسته را تبیین می‌کند و مابقی این تغییرات که به مجذور کمیت خطا معروف است، تحت تاثیر متغیرهای خارج از مدل می‌باشند. همچنین مقدار دوربین واتسون برابر $1/22$ است که حاکی از مستقل بودن باقی مانده‌ها از هم است. در جدول زیر میزان اثرگذاری ابعاد متغیر وابسته بر متغیر مستقل به تفکیک نشان داده شده است.

جدول ۴. مقدار ضریب همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده و دوربین واتسون

مقدار همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	دوربین واتسون	میزان اثرگذاری متغیر وابسته
-	$0/208$	$0/206$	$3/77$	-	مشارکت در تصمیم‌گیری
-	$0/491$	$0/489$	$2/29$	-	مشارکت در تامین مالی
-	$0/234$	$0/233$	$2/46$	-	مشارکت در تامین نیروی انسانی
$0/753$	$0/567$	$0/566$	$7/459$	$1/221$	مجموع

همان گونه که در جدول (۵) مشخص است مقدار رگرسیون برای این مدل برابر است با $27/27$ و مقدار باقی مانده برابر است با $20/80$ و چون مقدار مجذورات باقی مانده کوچک‌تر از مجموع مجذورات رگرسیون است، نشان دهنده، قدرت تبیین بالای مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است. در این مدل مقدار F برابر است با $49/05$ و میزان معناداری آن هم برابر با $0/000$ است که کوچکتر از $0/05$ و معنادار است و متغیر مستقل قادر است به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد، بنابراین مدل رگرسیون از لحاظ آماری معنی دار است و سوال تحقیق که تاثیر مشارکت بر توانمندسازی سکونتگاه غیر رسمی محله بانبرز می‌باشد مثبت ارزیابی می‌شود.

جدول ۵. مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
رگرسیون	$27/27$	۱	$27/27$	$49/05$	$0/000$
باقی مانده	$20/80$	374	$0/55$		
مجموع	$48/08$	375			

جدول بعدی نتایج مربوط به ضرایب تاثیر رگرسیونی متغیر مستقل (به تفکیک) بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. با توجه به اطلاعات این جدول مقدار بتا در این مدل در مجموع متغیرهای مستقل $0/753$ است. بزرگ بودن مقدار بتا نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته می‌باشد. همچنین معادله رگرسیون با ضریب بتای استاندارد به شکل زیر می‌باشد:

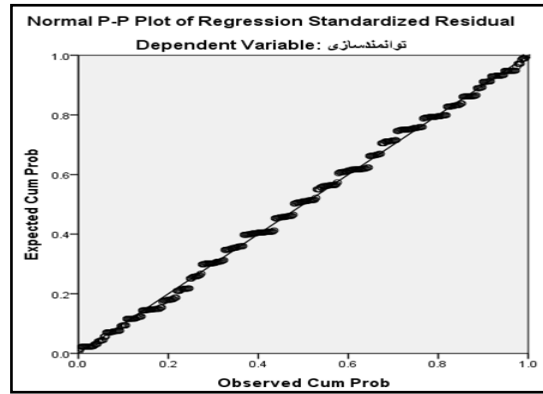
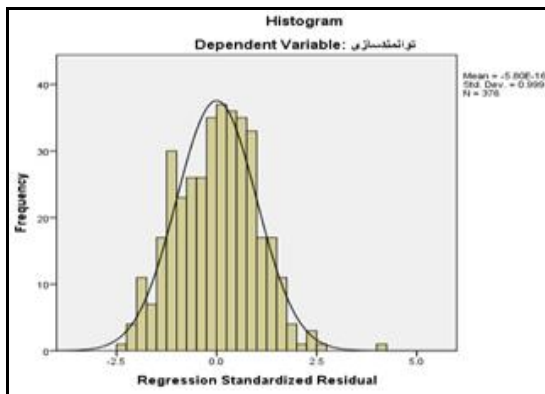
$$(\text{مشارکت اجتماعی}) (0/753) + (1/943) (\text{توانمندسازی سکونتگاه غیر رسمی})$$

می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی با ارتقای یک واحد مشارکت، $(0/753)$ ، واحد انحراف معیار توانمندسازی ارتقاء پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط مثبت دارند.

جدول ۶. ضریب رگرسیون استاندارد شده و نشده، آماره تی و سطح معناداری گریسون

سطح معناداری	t	ضریب استاندارد شده	ضریب غیر استاندارد		مدل	میزان اثرگذاری متغیر مستقل
		Beta	Std.Error	B		
.۰۰۰	۲۱/۵۶۰	.۰/۴۴۱	۱/۳۶۰	۲۹/۳۲۰	مقدار ثابت	اقتصادی
	۹/۵۰۲		۰/۱۰۹	۱/۰۳۵	مشارکت اجتماعی	
.۰۰۰	۱۴/۹۸۶	.۰/۵۷۹	۱/۴۷۳	۲۲/۴۵۶	مقدار ثابت	اجتماعی
	۱۳/۷۱۸		۰/۱۰۶	۱/۴۵۶	مشارکت اجتماعی	
.۰۰۰	۱۳/۲۳۷	.۰/۸۰۸	۱/۰۶۹	۱۴/۱۵۴	مقدار ثابت	کالبدی
	۲۶/۵۳۴		۰/۰۷۲	۱/۹۰۵	مشارکت اجتماعی	
.۰۰۰	۱۱/۴۳۰	.۰/۷۷۴	۱/۲۰۹	۱۳/۸۲۲	مقدار ثابت	محیطی
	۲۳/۶۷۴		۰/۱۰۱	۲/۳۹۳	مشارکت اجتماعی	
.۰۰۰	۹/۵۶۷	.۰/۷۵۳	۱/۳۳۷	۱۲/۷۸۸	مقدار ثابت	مجموع
	۲۲/۱۴۰		۰/۰۲۵	۰/۵۶۱	مشارکت اجتماعی	

شکل (۲) نمودار هیستوگرام رسم شده در مورد مدل رگرسیون فرض نرمال بودن داده‌ها را تایید کرده بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده مورد تایید می‌باشد.



شکل ۲. نرمال بودن باقیمانده‌ها و معادله رگرسیون جهت بیان اثر مشارکت بر توانمندسازی سکونتگاه غیر رسمی بانبرز

یکی از سیاست‌هایی که در راهبرد توانمندسازی با مشارکت اجتماعی برای حل مشکل می‌باشد علاقمندی ساکنین در فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد لذا ما در این زمینه به آزمون این نکته پرداخته شد که ساکنین تا چه حد علاقمند به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی محله هستند. در بررسی‌های انجام شده در محله بانبرز ۹۱/۸ درصد از ساکنین عضویت در نهادهای محلی را برای حل مشکلات بانبرز می‌پذیرند و برای فعالیت اعلام علاقمندی کرده‌اند. پس مشارکت مردمی که اصل اولیه در راهبرد توانمندسازی است در محله بانبرز وجود دارد. همچنین برای روشن شدن میزان و نحوه مشارکت ساکنین برای حل مشکلات به ازاء هر راهبرد و نگرشی که در مبحث ساماندهی هم مطرح است گزینه‌های ارائه گردید تا نحوه نگاه مردم و مشارکت آن‌ها در حل مشکلات بانبرز و ساماندهی آن سنجیده شود که نتایج پاسخ‌های ساکنین در جدول (۷) آورده شده است.

جدول ۷. درصد فراوانی و نحوه مشارکت ساکنان محله بانبرز

ردیف	نحوه مشارکت	درصد فراوانی
۱	مشارکت در تامین مالی هزینه‌ها	۹/۳
۲	مشارکت در تامین نیروی انسانی	۲۵/۸
۳	مشارکت مشارکت در تصمیم گیری و مدیریت	۳۰/۷
۴	همه موارد	۳۴/۲

لذا بر این اساس نیز متوجه نحوه مشارکت مردم با راهبردهای مختلف نظیر مشارکت مالی، اجرایی، و فرهنگی و ... شده و باور مردم در این زمینه که خودشان می‌توانند در بهبود وضع محله مشارکت کنند را می‌توان درک کرد. و این امر که راهبرد توانمندسازی مناسب‌ترین راه حل مشکلات بانبرز است تایید می‌شود.

نتیجه گیری

سکونتگاه‌های مساله دار شهری یکی از مسائلی است که عدم توجه به آن در بلند مدت می‌تواند پیامدهای منفی زیادی ایجاد نماید. همچنین تبعات بکارگیری روش اشتباه، برای برخورد با این پدیده نیز کمتر از بی توجهی به آن نیست. امروزه در دنیا تبعات منفی بکارگیری روش‌های فیزیکی بر اغلب برنامه‌ریزان امور شهری آشکار گردیده و ضرورت بکارگیری مهندسی اجتماعی و روش‌های اجتماع محور کاملا احساس می‌شود. بر این اساس ما نیز در سکونتگاه‌های غیر رسمی نیازمند امکان سنجی و استفاده از این روش‌ها هستیم. بر همین اساس در این پژوهش نیز از روش امکان سنجی مشارکت اجتماعی جهت توانمندسازی که به عنوان جدیدترین راه حل مساله سکونتگاه‌های مساله دار در دنیا می‌باشد در سکونتگاه غیر رسمی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مشارکت ساکنین محله بانبرز و توانمندسازی آن‌ها رابطه مستقیم با $0/753$ درصد و با شدتی قوی و معنی‌دار برقرار است بدین معنی که با افزایش مشارکت در محله مورد مطالعه توانمندی نیز بهبود می‌یابد و با توجه به نتایج رگرسیون، مشارکت بر توانمندسازی تاثیر دارد. و با گسترش دامنه مشارکت ساکنین شرایط و بستر مناسب تری جهت توانمندسازی و ساماندهی محله فراهم می‌شود. بطورکلی می‌توان به تاثیر مثبت متغیر مستقل یعنی مشارکت اجتماعی بر متغیر وابسته یعنی توانمندسازی و تایید رابطه معناداری بین آن‌ها اشاره کرد.

همچنین بررسی‌های انجام گرفته در رابطه با میزان علاقمندی اهالی به مشارکت نشان داد که $91/8$ درصد تمایل به مشارکت اجتماعی برای توسعه و رشد محله دارند و از این تعداد افراد $34/2$ درصد در همه بخش‌های مشارکتی حاضر به فعالیت بوده و با استفاده از توان‌های نهفته و جاری خود در بطن جریان حیات محله قرار خواهند گرفت. بنابراین با توجه به مباحث می‌توان گفت بهترین الگوی مداخله در سکونتگاه غیر رسمی بانبرز توانمندسازی از طریق مشارکت اجتماعی می‌باشد. ولی جلب مشارکت مردم به صورت موثر و کامل مستلزم وجود بسترها و زمینه‌هایی از جمله حمایت‌های مالی از طرف دولت و نقش بهینه آن در فرایند تهیه طرح‌های توانمندسازی می‌باشد چرا که اهالی به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی در حدود $9/3$ درصد حاضر به مشارکت در بخش مالی می‌باشند. نتایج یافته‌های پژوهش کاملا حاکی از این موضوع می‌باشد که شرایط ساختاری محله بانبرز به عنوان یک نمونه از حاشیه‌های شهری ایلام امکان استفاده از راهبرد توانمندسازی را فراهم نموده و مشکلات محله به علت برخی از دلایل که در زیر ارائه می‌گردد، می‌تواند از طریق توانمندسازی مورد ساماندهی قرار گیرد.

- همگرایی بالای قومی-زبانی که امکان فعالیت‌های اجتماعی و گروهی را فراهم می‌نماید (باتوجه به این که اکثریت ساکنین از استان ایلام بوده و تنها سکونتگاهی است که از خارج از استان مهاجر نداشته است).

- بالا بودن نسبت گروه سنی جوان و تحصیلکرده که با استفاده از آموزش و برنامه‌های توانمندسازی، می‌توان ظرفیت‌های آن‌ها را بارور کرد و در ارتقاء شرایط محیطی به کار گرفت.

- با توجه به تمایل مشارکت ساکنین محله برای توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه خود، این امر فرصت مناسبی است که مدیریت شهری برای بهبود وضعیت موجود از طریق تشکل‌های محلی و در راستای ارتقاء سلامت اجتماعی قدم بردارند.

با استفاده از یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد راهکارهای زیر برای توانمندی هرچه بیشتر محله بانبرز موثر باشند:

- اجرای سیاست‌های جهت رشد وضعیت اقتصادی به منظور دستیابی به توسعه واقعی ضروری است، در این راستا بایستی راهکارهای استفاده از منابع و ظرفیت‌های محلی موجود برای توسعه اقتصاد پایدار محله مهیا شود و این نیز نیاز به برنامه‌ریزی از پایین به بالا را می‌رساند.

- آموزش ساکنین به منظور زمینه سازی برای مشارکت گسترده تر در امور شهری اهمیت به سزایی دارد، در تحقق اهداف مورد نظر هر چه مردم نسبت به مسائل آگاه تر شوند، قدرت مسئولیت پذیری آن‌ها نیز به تناسب بالا می‌رود.

- ایجاد فرصت‌های اشتغال در درون محله از طریق ایجاد کارگاه‌های شغلی متناسب با محیط که می‌توان از این طریق ضریب اشتغال و مراکز فعالیت بصورت رسمی را در این محله بالا برد. که اجرا و ساماندهی این موارد نیازمند حمایت قانونی و اجرایی دولت را می‌طلبد.
- مشارکت گسترده ساکنین محله و همکاری معتمدان و ریش سفیدان و گروه‌های اجتماعی فعال و توجیه کردن آن‌ها در حل مشکلات و ساماندهی محله به معنای واقعی و توجه به نیازها و خواسته‌های آن‌ها به عنوان واسطه‌های بین دولت و مردم.
- توجه به فضای کالبدی محله و اولویت‌دادن به ساماندهی اینگونه فضاها از طریق مشارکت اهالی محل و شهرداری و سایر نهادهای مسئول و دادن تسهیلات ویژه جهت بهسازی مساکن ساکنین محله
- اشغال زمین‌های خالی موجود در بافت محله برای ایجاد مراکز خدماتی و تفریحی و بطورکلی مراکز مورد نیاز در محله به منظور جلوگیری از رشد و گسترش محله و ورود مهاجران جدید. این امر علاوه بر اینکه آرامش را در محله ایجاد می‌کند منجر به حذف برهم خوردن کالبد محله و در نتیجه جلوگیری از خدشه دار شدن دید بصری نیز می‌شود. برای اجرای این گونه اقدامات ساکنین خود باید، محله را کنترل نمایند.
- با توجه به این که جهت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی به کارگیری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در محلات مورد نظراسست و اینگونه ظرفیت‌های محلی و بالقوه در محله بانبرز نیز بسیار موجود می‌باشد می‌توان برای پاسخ گویی به نیازها و ارتقاء شرایط اجتماع محله به گسترش و به کارگیری این منابع توجه داشت و برای به بالفعل رساندن آن‌ها تلاش شود. برای بهره گیری از این امر توجه به مولفه مشارکت به مثابه نکته‌ای کلیدی بایستی نگریسته شود.
- شناسایی ظرفیت های ساکنین بویژه زنان و جوانان در مقیاس محله به منظور کاهش آسیب پذیری و همچنین استفاده از این ظرفیت‌ها در جهت سازندگی و توانمندسازی محله
- استقرار سرای محله در محله بانبرز و استفاده از نیروهای تحصیلکرده و کارشناسان و معتمدین بومی محله در جهت شناخت مشکلات و کمک به حل مشکلات اجتماعی-فرهنگی، کالبدی و ... و انعکاس دادن مسائل محله به مسئولین.

References

- Abdollahi, B., & Hydary, Sarban, V. (2009). factors affecting the empowerment of faculty members, case study Teacher Training University. *Iranian Journal*, 1, 111-137. (In Persian)
- Acioly C. (2002). The rationale of informal settlements regularisation projects: from settlement upgrading to integration approaches lecture notes. *Institute for Housing and urban Development studies - IHS*:
- Aeni, M. (2007). *Economic issues, financial and administrative reform, modernization and re-creation of the old urban fabric*. Tehran: Building and Housing Research Center of the Ministry of Housing and Urban Development. (In Persian)
- Alavi Tabar, A.R. (2000). *Evaluation of citizen participation in city affairs experience the world and Iran*. Tehran: publisher of the municipalities in the country. (In Persian)
- Asadollahi, A.R., & Nateghpour, M.J. (2006). *The structure of marginal areas of Ilam*. taken from sociology Iran, iran, from [http:// sociology of Iran. com/index.php](http://sociologyofiran.com/index.php). (In Persian)
- Bod tiknik engineers techniques. (2015). *the master plan of the city of Ilam*, Ilam Roads and Urban Development Department.
- Dadashpoor, H., Hassan Abadi, S., & Pourtaheri, M. (2012). Analysis of the empowerment of residents in informal settlements upgrading the physical environment Case study: Cal Eid Gah East of Sabzevar. *Journal - of geography planning (School of environmental Sciences and architecture*, 41, 95-127. (In Persian)
- Durand, Lasserre A., Clerc, V. (1996). Regularizat and integration of irregular settlements: lessons from experience. vol 6 of UMP working paper series. UNDP.

- Hadizadehbazaz, M. (2003). Suburbanization and strategies of the world organization. Mashhad: publisher of Mashhad Municipality in cooperation with Tyhv publishing. (In Persian)
- Haidari Sarban. V. (2009). *The empowerment of agriculture and farmers in agricultural development, study Ardabil Province*. (unpublished doctoral dissertation). Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Hassan G. (2011). *Review and re-evaluation of the successive housing policy in Egypt*. A1-Azhar Univ J EAJ.
- Hassanzadeh, M. S. (2004). *Examines the impact of organizational culture on employee empowerment in one of the companies operating in the fields of automobile*. (unpublished master's thesis). Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Irandoust, K. (2009). *Informal settlements and the myth of suburbia*. Tehran: processing and dissemination of urban planning. (In Persian)
- Ismail Zadeh, H., Salehpour, S., & Ismail Zadeh, Y. (2013). Factors influencing participation in organizing the urban distressed areas (Case study of South Dolatkah). *Research and International Journal of Geographic Society*, 43, 127-141. (In Persian)
- khodae, Z., & pour khiri, A. (2012). *Urban social issues in Iran*. Tehran: Department of Cultural and Social Research, Institute of Strategic Research of the Expediency Council. (In Persian)
- Malekipour, M. (2010). imbalance of urban settlements in Ilam. *Teaching Geography*, 25, 56-61. (In Persian)
- Marwa A. Khalifa. (2015). Evolution of informal settlements upgrading strategies in Egypt: form negligence to participatory development. *Ain shams Engineering journal*, 6, 1151-1159.
- Naqdi, A. (2010). migration and marginalization in Iran. *Journal of Population*, 73, 85-104. (In Persian)
- Naqdi, A., & Rezaei, T. (2014). A study of attitudes and social behaviors and demographics of women marginalized Ilam Case Study: Areas Ban Brazil, Ban boron and vegetables Abad. *Culture Magazine Elam*, 23, 103- 119. (In Persian)
- Payne, GK. (1984). *Low - income housing in the developing world: the role of sitesand services and settlement upgrading*. Wiley.
- piran, P. (1987). Rapid urbanization and heterogeneous, shanty in Tehran. *Journal of Political Economy information*, 1(1), 21- 20. (In Persian)
- Pugh, C. (2000). Squatter settlements: their sustainability, architectural contributions, and socio-economic roles. *Cities*, 17(5), 325-337.
- Rafieian, Mojtaba. (2003). Empowerment of informal settlements project in Bandar Abbas with a view urbaning, Department of Housing and Urban Development (*Urban Development Authority and sanitation*), the World Bank, Sap Consulting Engineers, Tehran. (In Persian)
- Irvin, R. A., & Stansbury, J. (2004). Citizen participation in decision making: is it worth the effort?. *Public administration review*, 64(1), 55-65.
- Rostamzadeh, yavar. (2012). Organizing and empowering informal settlements in urban areas with the attitude of local residents Case Study: Neighborhood unity, Bandar Abbas. *Journal of Urban Management*, 28, 321- 336. (In Persian)
- Saeedi Rezvani, H., & Habibi, S.M. (2005). Urban cooperative explore comment on the situation in Iran. *Fine Arts*, 24, 24-15. (In Persian)

- Sharifi Nya, Z., Nora, M.R., & Sanadgol, M. (2011). Empowerment and arranging informal settlements, with an emphasis on economic, social, physical and environmental study about the neighborhood Ghulam hill goat free of city. *Journal of Geographical land*, 30,121-134. (In Persian)
- Sarafi, M. (2014). A series of thematic sessions, *The first session of empowerment and organization of informal settlements in the light of urban good governance*, 1-32. (In Persian)
- Sarafi, M. (2002). The problem of internal migration and urban management, with an emphasis on the situation in Iran. *Journal of Urban Management*, 10, 6-18. (In Persian)
- Sarafi, Mozafar. (2003). *Revised characteristics of the spontaneous settlements*. Proceedings of marginalization and informal settlements, University of Welfare and Rehabilitation, Tehran. (In Persian)
- Sanoff, H. (2000). *Community participation Methods in Design and Planning*. New York: John Wiley and sons.
- UN- Habitat. (2013). *The state of the world cities Report 2012/2013*.
- UN- Habitat. (2015). *Streets as tools for urban transformation in slums*. cities Alliance.
- UNDP & MLHUD National slum upgrading strategy and action plan. Kampala: UNDP and Ministry of lands, housing and urban development, 2008.
- Uzun B., & Eete M, Palancioglu H. (2010). *Legalizing illegal settlements in Turkey*. Habitatin.
- World Bank. (2008). *Approaches to urban slums*.
- Zali, N., & Rahmati, U., & Chareh, N. (2015). Evaluation and critique of the reorganization plan and the empowerment of informal settlements Shiraz, the neighborhood Mehdiabad (Cats pies). *Journal of Urban Planning*, 6(23), 115- 132. (In Persian)

How to cite this article:

Meshkini, A., & Tardast, Z. (2019). Participation effectiveness on enabling problematic urban settlements (Case Study: neighborhood of Banbarz, Ilam). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 14(1), 147-161. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_665127_en.html

Participation Effectiveness on Enabling Problematic Urban Settlements (Case Study: Neighborhood of Banbarz, Ilam)

Abolfazl Meshkini

Associate Professor, Dep. of Geography & Urban Planning, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran

Zahra Tardast*

Ph.D Candidate in Geography & Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 24 July 2017

Accepted: 17 February 2018

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The world has undergone a rapid urbanization in the last few decades, especially after the industrial revolution. More than 90% of this growth has occurred in developing cities. This increasing urbanization has had bad consequences, including the formation of problematic settlements. The formation of these settlements has resulted in unpleasant outcomes such as urban undesirable phenomena, low public health, lack of formal jobs, social damage, and etc. So far, there are several ways to organize these settlements. But their weaknesses and failures in solving the problem indicate that this issue should not be analyzed through a radical solution, not through cross-sectional, selective or relational discourse. Apart from the methods of dealing with these settlements, considering the views and attitudes of local residents is one of the most important factors in the process of organizing and tuning of problematic settlements. So now, empowerment has become customary through social partnership. The present study tries to measure the impact of social participation on the empowerment of residents of the informal settlement of Banberz in the city Ilam as the largest and oldest problematic settlement in the city of Ilam from among the five informal settlements in Ilam, as well as how the residents participate of this neighborhood is feasible to reach the empowerment of their neighborhood.

Methodology

This is an applied and descriptive-analytic method. Data collection is a library and field study. The tool is a questionnaire. The statistical population of the study was residents of Babranz neighborhood. The sample size is 376 people based on the Cochran formula and the random sampling method is simple. Data extracted from the questionnaire were analyzed using statistical methods such as correlation coefficient and simple linear regression in SPSS software.

Results and Discussion

In the present study, the independent variable of social participation and dependent variable is empowerment of the Banberz district, which is quantitatively related to related issues. The findings show that using Pearson correlation coefficient between social participation and empowerment is a direct relationship with 0.753% and with strong and significant intensity. The coefficient of the independent variable on the dependent variable is equal to 0.566. Which indicates the ability of an independent variable to explain the variance of the dependent variable. That is, the independent variable explains 56 percent of the variation of the dependent variable. And by upgrading one unit of each independent variable, the variable will be enhanced

* Corresponding Author:

Email: ztardast.52@gmail.com

by the coefficient of the dependent variable. Using this model, an independent variable can well explain the changes of the dependent variable. Therefore, the research question that the impact of participation on the empowerment of the informal settlement of the Banberz district is positively evaluated. One of the policies in the social empowerment strategy for solving the problem is measuring the level of interest of residents in social activities. Therefore, this case has also been investigated in this study. In surveys carried out in the Babranz neighborhood, the interest of residents of the Ba'barz neighborhood with 91.8% through participation in financing costs, participation in the supply of manpower Participation in decision making and management for activities in institutions and in order to empower the Ba'barz neighborhood. And it can be concluded that the people's participation in the empowerment strategy is basically in the Baberz neighborhood. And that empowerment strategy is the most appropriate solution for neighborhood problems in Banburz, approved by residents of the neighborhood.

Conclusion

Based on the findings of the research, the effectiveness of social participation on the empowerment of the Baberz neighborhood can be concluded. The best intervention pattern in the informal settlement of Banberz empowerment through social participation, but attracting people's participation effectively and fully requires the existence of such areas and fields as Financial support by the government and its optimal role in the process of preparing empowerment plans because residents are willing to participate in the financial sector due to poor economic conditions and lack of financial affordability of only about 9.3%. However, considering the structural conditions of the Ba'barz neighborhood, such as ethnic-linguistic convergence, as well as social and group activities, the high proportion of young and educated young people to use education and empowerment programs, residents' willingness to participate in empowerment Neighborhood as an opportunity to improve the status quo allows the use of empowerment strategy.

Keywords: Enabling, Problematic settlement, Social participation, Banbrz neighborhood